



❖ فضایل شاهی ❖

مشاور و دبیر راهنمای دانش آموزان شاهد دبیرستان های پارس آباد

❖ مدینه آدیگوزلی ❖

مدیر مدرسه



مقاله علمی - کاربردی



اشاره

بسیاری از متخصصان و نظریه پردازان انگیزش معتقدند برای ایجاد یادگیری در دانش آموزان به تقویت بیرونی نیازی نیست. آن‌ها بر این باورند که انسان‌ها در موقعیت‌هایی که احساس کنند باید به دلایل درونی درگیر رفتار یادگیری شوند، بهتر و بیشتر یاد می‌گیرند. کار کردن روی تکالیف به دلایل درونی از جمله علاقه به تکلیف، لذت‌بخش است و به یادگیری بهتر می‌انجامد. انسان‌ها تمایل فطری دارند که در صورت امکان، شایستگی‌های خود را پرورش دهند، درباره رویدادهای تازه و غیرمعمول کنجکاوند و به صورت فطری علاقه دارند خودمختار باشند و با اراده خود درگیر فعالیت‌ها شوند.

بسیاری از نظریه‌هایی هم که درباره انگیزش انسان طرح شده است، ادراک دانش آموزان از کفایت و کنترل را از عوامل مؤثر بر رفتار انگیزشی و انجام تکالیف معرفی کرده‌اند. بنابراین، اگر دانش آموزان، خود را در امور تحصیلی و سایر موارد با کفایت و خودمختار ببینند، خود را بهتر می‌شناسند و از توانایی‌های خود آگاهی بیشتری پیدا می‌کنند. در نتیجه با انگیزه بیشتری اهداف و تکالیف درسی را دنبال می‌کنند. هدف این مقاله عبارت است از پرداختن به اهداف عینی و کاربردی نظریه‌های مربوط به انگیزش، اصول آموزشی و مدیریتی که متناسب با رشد انگیزش درونی دانش آموزان باشد، مطرح کردن تمرین‌های لازم در مورد اصول انگیزش درونی و همچنین یاری رساندن به معلمان که چگونه می‌توانند برای ایجاد انگیزه، به خصوص انگیزه درونی، در دانش آموزان گام‌های مؤثر و عملی بردارند.

نقش مدرسه و معلم در پرورش انگیزش پیشرفت در دانش آموزان

کلیدواژه‌ها: انگیزش، انگیزش درونی، انگیزش بیرونی، ادراک کفایت، ادراک کنترل و خودمختاری، ارزش گذاری درونی.

■ تعریف انگیزه و انگیزش

انگیزش در روان‌شناسی متغیر است، ولی در نظریه کتل^۱ می‌توان چهار عامل تعیین کننده را برای هر رفتار انگیزشی مشخص کرد:

الف) موقعیت که شامل محیط و محرک‌های بیرونی است؛

ب) مزاح که عبارت است از حالت و وضعیت ارگانیزم؛

ج) هدف به معنای منظور از گرایش موجود به آن رفتار است؛

د) ابزار برای دستیابی به هدف.

از مفهوم انگیزش در هر یک از نظریه‌ها به صورت مفاهیم و سازه‌های اختصاصی از قبیل کشاننده، غریزه، نیاز، تلاش و انتظار استفاده شده است و هر کدام از روان‌شناسان بر یکی از این عوامل تأکید بیشتری داشته‌اند. بنابراین هر یک از روان‌شناسان در تعریف خود از انگیزش، تنها به بخشی از جنبه‌های انگیزش

توجه کرده است. برای مثال: مورفی^۲ (۱۹۴۷) انگیزش را نشانه‌ای از این واقعیت می‌داند که بخشی از رفتار ارگانیزم به طبیعت و ساختار درونی آن بستگی دارد.

هـ) ^۳ (۱۹۶۶) معتقد است که مفهوم انگیزش عبارت از گرایش موجود زنده به فعالیت منظم است که از پایین‌ترین سطح خواب تا بالاترین سطح بیداری و فعالیت موجود زنده متغیر است. بنابراین نتیجه رفتار و نوع تحرک به طور متناوب بر ارگانیزم اثر می‌گذارد.

به نظر آلپورت^۴ (۱۹۷۰) انگیزش عبارت است از وضعیت درونی ارگانیزم که رفتار و تفکر فرد از آن نشئت می‌گیرد.

■ انگیزش درونی و بیرونی

گاهی دانش آموزان به برنامه‌های درسی خود علاقه‌ای نشان نمی‌دهند یا کارمندان با بی‌میلی و به‌کندی وظایف خود را انجام می‌دهند. این موارد و مواردی از این قبیل، نشان می‌دهد که افراد همیشه برای انجام دادن کارهای خود انگیزش درونی ندارند. معلمان با مشاهده این رفتار در دانش آموزان دست به اقداماتی می‌زنند. برای مثال، جهت ایجاد انگیزه در دانش آموزان از نمرات، تشویق، امتیازات زنگ تفریح بیشتر و توضیح درباره عواقب

درس نخواندن استفاده می‌کنند. در ادارات نیز، جهت ایجاد انگیزه در کارمندان، از پرداخت فوق‌العاده حقوق، رقابت، نظارت و تهدید به اخراج استفاده می‌شود. این روش‌هایی هستند که در افراد انگیزش بیرونی به وجود می‌آورند.

بنابراین، افراد برای پرداختن به فعالیت‌ها، جست‌وجوی چالش‌ها و ایجاد روابط دو راه پیش رو دارند: یکی درونی و خودانگیزنده و دیگری بیرونی و محیطی. انگیزش درونی حالتی روان‌شناختی از تمایلات و تلاش‌های فطری و نیازهای روانی است و زمانی حاصل می‌شود که فرد خود را در انجام فعالیت‌ها، دارای کفایت لازم و خودمختاری بداند. در این صورت افراد در ابراز انگیزش درونی خود از لذت‌بخش و جالب بودن فعالیت‌ها سخن می‌گویند. انگیزش بیرونی، برخلاف انگیزش درونی، از مشوق‌ها و پیامدهای محیطی چون غذا، پول، جایزه و نمره ناشی می‌شود.

تحقیقات نشان می‌دهد که مشوق‌ها و پاداش‌های بیرونی باعث کاهش انگیزش درونی افراد در فعالیت‌های مشابه می‌شود؛ زیرا ادراک خودمختاری یا کنترل افراد را کاهش می‌دهند. البته با توجه به نظریه ارزیابی - شناختی که فرض می‌کند انسان‌ها به خودمختاری و شایستگی نیازهای روان‌شناختی دارند، رویدادهای بیرونی در صورتی بر انگیزش درونی فرد مؤثرند که درک منبع علیت فرد را برای آن رفتار تحت‌تأثیر قرار دهند.

پیشرفت کودکان در مدرسه و در بزرگسالی علاوه بر توانایی‌های آن‌ها، به انگیزش، نگرش‌ها و واکنش‌های عاطفی آنان به مدرسه و دیگر مسائلی که در موقعیت آنان دخالت دارند، وابسته است. یکی از سازه‌هایی که روان‌شناسان برای تبیین این جنبه از پیشرفت ارائه کرده‌اند، انگیزش پیشرفت است. به نقل از سیف (۱۳۶۳)، بلسوم (۱۹۸۲) رابطه بین ویژگی‌های عاطفی و پیشرفت تحصیلی را $0.5+$ گزارش کرده است. وجود این نوع رابطه بین متغیرهای انگیزش و پیشرفت تحصیلی نشان‌دهنده تأثیر مثبت و مستقیم انگیزش بر یادگیری است. به این معنا که انگیزش زیاد به یادگیری زیاد و انگیزش کم به یادگیری کمتر منجر می‌شود.



ارائه راهکارهای عملی برای ایجاد انگیزش در دانش‌آموزان

- استفاده سنجیده و بهینه از رویدادهای بیرونی برای افزایش انگیزش درونی در دانش‌آموزان.
- کم‌رنگ کردن یا حذف نمره از نظام ارزشیابی و استفاده از نظام ارزشیابی نوین که سازنده و اصلاح‌کننده باشد.

- ایجاد محیط‌های یادگیری چالش‌انگیز که دانش‌آموزان را به مشارکت فعال ترغیب کند.

- والدین در خانه و معلمان در محیط مدرسه برای دانش‌آموزان الگوی مناسبی باشند.

- با ایجاد و تقویت روحیه همکاری در محیط مدرسه؛ فعالیت‌های اجتماعی، شیوه همکاری با یکدیگر و گفت‌وگوهای سازنده میان دانش‌آموزان تقویت شود.

- کمک به یادگیرندگان با استفاده از روش‌هایی مانند خودنظم‌جویی برای پایش یادگیری و آگاهی از شیوه‌های رفع نقص‌ها و خطاهای خود؛

- دادن فرصت کافی به دانش‌آموزان تا مفاهیم قبلی خود را دوباره سازماندهی کنند.

- استفاده از روش‌های نوین یاددهی - یادگیری مانند روش تدریس ساخت‌گرا که در این شیوه تدریس فراگیرندگان فرصت سامان‌دهی و بازسازی ادراک خود را دارند.

- معلمان سعی کنند همراه با دانش‌آموزان بیاموزند و سؤالات آن‌ها را داریست یادگیری خود قرار دهند.

- ارائه فعالیت‌ها و تکالیف نه خیلی دشوار و نه خیلی آسان، بلکه با درجه دشواری متوسط.

- معلمان سعی کنند فضای یادگیری آموزشی و کیفیت روش آموزشی خود را ارتقا دهند.

- مدارس مشوق کوشش‌های دانش‌آموزان باشند و با تأکید بر فعالیت آن‌ها، بازخوردهای لازم را داشته باشند و اشتباهات دانش‌آموزان را اصلاح کنند.

- معلمان اهداف آموزشی درس را هنگام شروع کلاس به یادگیرندگان بگویند.

- در مدارس برای آموزش مطالب جدید از مثال‌های آشنا و ملموس استفاده شود.

- طبق نظر آرزویل، مطالب درسی به صورت معنی‌دار و در ارتباط با موقعیت‌های واقعی زندگی ارائه شوند.

- جهت اثربخشی روش الگویی برای دانش‌آموزان، از نمایش فیلم و کارهای محققان و فارغ‌التحصیلان موفق استفاده شود.

- ایجاد پیوند عاطفی بین معلم، مدیر و محیط آموزشی برای تقویت نگرش مثبت نسبت به یادگیری در دانش‌آموزان.

- مطالب درسی از ساده به مشکل آموخته شود.

- تلاش شود تا اولین تجربیات دانش‌آموزان به خصوص در پایه‌های ابتدایی خوشایند و جالب توجه باشند.

- کلاس درس محیطی امن، آرامش‌بخش و برانگیزنده برای دانش‌آموزان باشد.

بی‌نوشت

1. Cottell
2. Murphy
3. Hebb
4. Allport

پیشرفت کودکان در مدرسه و در بزرگسالی علاوه بر توانایی‌های آن‌ها، به انگیزش، نگرش‌ها و واکنش‌های عاطفی آنان به مدرسه و دیگر مسائلی که در موقعیت آنان دخالت دارند، وابسته است

